





همکاران تحریریه: سیده زهرا برقعی، روح الله حبیبیان، سیدعلی حسینی
ایمنی، سید حسین ذاکر زاده، مریم راهی، حمیده رضایی، محدثه رضایی،
محمد حسین شیخ شعاعی، محمدعلی کریمی، غلامرضا گل زواره، علی مهر،
رقیه ندیری.

از نو شکوفا بشویم!

محمد حسین پرتوافشان

ممکن است سرانجام این نوشته کوتاه زیادی تلخ و ناامیدکننده باشد. اگر سابقه افسردگی دارید از خواندن آن صرف نظر کنید.

آدم‌ها اصولاً دو جور نوآوری دارند. یا خودشان را مورد نوآوری قرار می‌دهند یا یک موضوع بیرونی مثل مسائل علمی و پژوهش‌ها و اختراعات صنعتی را وقتی که خودشان موضوع نوآوری هستند هم دو جور نوآوری می‌کنند؛ یا قضیه به سر و وضع و لباس و قس علی‌هذه‌شان مربوط می‌شود و یا خود خودشان یعنی آن من درونی‌شان در یک پروسه نوآوری قرار می‌گیرد. من فعلاً بی خیال همه‌شان می‌شوم جز همین آخری! این من درونی هم که اشاره شد اصلاً چیز قلمبه‌ای نیست که صحبت کردن درباره‌اش چندان تخصصی بطلید یا به تعریف و توصیفی نیاز باشد. همین قدر که بلد باشی فکر کنی و برای خودت حداقلی از اهمیت را ببینی کافی است که بگویم تو بارها درباره این من درونی (همان خود خودت) اندیشیده‌ای. می‌گفتم که گاهی من انسان‌ها است که دچار نوآوری می‌شود. این را هم متوجه هستی که نوآوری همیشه مثبت نیست وابستگی به جهتش دارد. حالا این من وقتی در مسیر نوآوری با جهت روبه بالا قرار می‌گیرد بی شک و شبهه دگرگونی‌ها را یک جوری منعکس می‌کند و ظاهر رفتارهای طرف هم تغییراتی می‌کند! شما تا به حال زیاد شنیده‌اید که ظاهر خوب همیشه نشانه باطن روبه‌راه نیست و ممکن است حاصل یک دغلگری باشد اما من می‌خواهم بگویم حتی وقتی از مسیر نوآوری و تغییرات درونی گذشته‌ایم و به رفتارهای مثبت رسیده‌ایم ممکن است دغلی در کار باشد! از اتفاق روزگار این دغل خیلی هم چیز شایعی است. می‌فرمایید یعنی چه!

دقیق‌تر بخواهم بگویم این کلاه‌ها است که سر خیلی‌مان رفته است. برای روشن شدن این قضیه دوباره باید متوسل به یک تقسیم‌بندی بشوم. انسان‌ها به دو دلیل در عقیده و مرامشان تغییر رویه می‌دهند. یا واقعا به شناخت‌ها و درک‌هایی می‌رسند و بر اساس آن زندگی‌شان رنگ عوض می‌کند و یا نه! شناختی در کار نیست یا آن قدر که بتواند کسی را تکان بدهد و منجر به نوسازی شود نیست، نه به درستی، راه قبلی را می‌شناسد و نه چندان از سر و ته این مسیر تازه خبر دارد. تغییرات او حاصل یک حس دیگر است که من با اجازه از محضر شما اسمش را می‌گذارم تنوع طلبی! اگر پذیرفتن این قضیه دشوار است می‌توانید نپذیرید اما اگر از من می‌شنوید، خیلی از این رنگ و لعاب‌هایی که عوض می‌شود به این دلیل آمده‌اند که تازه‌اند و راه و رسم قبلی به این دلیل کنار گذاشته شده که به یکنواختی رسیده بوده! شاید دوست داشته باشید به مذهبی شدن یک دوست یا مذهبی تر شدن خودتان دلخوش کنید و شادمان باشید اما اگر با آمدن بهار قصد رقم زدن اتفاقات مثبتی در خویش و درآرزوی شکوفایی هستید حواستان باشید یک وقت کلاه سرتان نرود. گاهی عوض شدن علاقه‌های ما نتیجه تنوع طلبی‌اند و نه تحریک‌خواهی و پیشرفت‌طلبی. خوب شدن خیلی از بدها همان قدر جدی و قابل اعتنا است که بد شدن برخی خوب‌ها...